

آلن رُبگریه

برای رمانی نو

www.ketab.ir



سرشناسه	: روب-گریه، آلن، ۱۹۲۲ - ۲۰۰۸ م.
عنوان و نام پدیدآور	Robbe-Grillet, Alain
مشخصات نشر	برای رمانی نو/ آلن رب گریه ؛ ترجمه پرویز شهبازی . بهران افکار، پدید، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۰ ص. : ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622 6374-11-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: چاپ قبلی : با فکر، ۳۸۸.
موضوع	: داستان نو
موضوع	: (New novel (Literary movement
شناسه افزوده	: شهبازی، پرویز، ۱۳۱۵ - مترجم
رده بندی کنگره	: PN۳۵۰۳/۹ب۴ ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	: ۸۰۹/۳۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۳۱۵۷۶



افکار جدید

برای رمانی نو

نویسنده: آلن رب گریه

مترجم: پرویز شهبادی

صفحه آرا: فرحناز رسولی

ناظر علمی: پ: احسان طالبی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

شمارگان: ۱۰ جلد

نوبت چاپ: ۳۹۸

شابک: ۹۶۸-۶۳۷۴-۱۱-۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

آدرس: خیابان نواب صفوی شمال، نبش آذربایجان، جنب ایستگاه متروی نواب،

برج گردون، ورودی شمال، طبقه نهم، واحد ۹۰۳

کد پستی ۱۳۱۹۶۵۳۸۸۶

تلفن: ۶۶۳۸۳۳۱۸



نشر افکار
۲۸,۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار، ترجم
۱۱	نظرها به چه کار می آیند
۲۱	راهی برای دان آینا
۳۳	درباره‌ی پاره‌ای صوت، ی هنری منسوخ شده
۳۵	الف - شخصیت
۳۸	ب - داستان
۴۳	ج - تعهد
۵۱	د - قالب و محتوا
۵۷	اومانيسم، تراژدی، طبیعت
۸۷	عناصر تشکیل دهنده‌ی جنگ‌های امروز
۸۹	الف - ابهام و شفافیت در آثار ریمون روسل
۹۹	ب - وجدان بیمار زنو
۱۰۵	ج - ژو بوسکه خیال پرداز
۱۲۱	د - ساموئل بکت یا حضور در صحنه
۱۳۷	رمانی که خود را می آفریند
۱۴۳	رمان نو، انسان نو
۱۵۳	زمان و توصیف در داستان امروزی
۱۶۷	از واقع گرایی به واقعیت

پیشگفتار مترجم

پیش از این که تصمیم به ترجمه‌ی کتابی از آلن رُب‌گری به بگیرم، رفتم به سراغ همین کتاب یعنی: *برای زمانی نو*، چون بخش‌هایی از آن را طی اقامتم در فرانسه، در روزنامه‌ها و مجله‌های ادبی فرانسه خوانده بودم و می‌دانستم که این کتاب در کتاب‌های سرپیس (گرایش‌ها)، اثر ناتالی ساروت، درواقع اساسنامه‌ی مکتب ری به فعل خودشان جنبشی است که در نیمه‌ی اول قرن بیستم و به پیروی از نویسنده‌ی ررگ دیگری در سراسر جهان ازجمله جویس، ویرجینیا ولف، فاکتز، کافکا و نیره در فرانسه آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. همه‌جاگیری این سبک و روش در بیشتر کشورهای جهان نشان داد که ادبیات قرن نوزدهم واقعاً در یک خانه‌تکانی درست و حسابی دارد، چون زمان و شرایط زندگی، به ریزش پس از جنگ جهانی اول به کلی عوض شده بود و پیشرفت‌های خارق‌العاده برق‌آسا در رشته‌های گوناگون دانش بشری نیز چهره‌ی دنیا را تغییر داده بود. آن‌چه در گذشته در قلمرو ادبیات روی داده بود، ارزشمند بود ولی دیگر مورد مصرف نداشت، مثل ظرف چینی ظریف و زیبایی بود که دیگر در آن نمی‌شد چیزی خورد، بایستی به عنوان شیئی نفیس در ویتترین نگه داشته می‌شد. مکتب غالب در قرن نوزدهم همان‌طور که می‌دانیم

رمانتیسزم بود، اگرچه در کنار آن، چهره‌های درخشان دیگری هم بودند که راه‌شان را تغییر داده بودند. مثل بالزاک، مثل فلوربر، مثل مویاسان، و مثل ادگار آلن پو، در آمریکا، ولی به هر حال سبک و سیاق و مسائل مورد بحث در رمان‌ها، برگرفته از زندگی آن دوران بود. از آن‌جا که آن لباس‌های پرزرق‌وبرق و البته بسیار زیبا و هنرمندانه، آن کالسکه‌های مجلل و آن قصرهای باشکوه دیگر با زندگی امروزی تناسبی نداشت و به همین علت هم کنار گذاشته شد، در زمینه‌ی ادبیات هم همین تحول صورت گرفت. یستی ادبیاتی روی کار می‌آمد که برگرفته از زندگی روزمره‌ی مردم در قرن بیستم می‌بود، و چون همه به این ضرورت پی برده بودند، و هم‌طور رمانتیسزم از آلمان شروع و به همه جا رخنه کرد، ادبیات امروزی یا مدرن هم پایه گرفت و به همه جا کشانده شد. این موضوعی است که آن را نگری به کوشیده در کتاب حاضر نشان دهد: یعنی چرا و به چه دلیل و به چه منظور رمان نو.

وقتی پس از در سال قیامت در فرانسه به ایران برگشتم (در سال ۱۳۶۳) تغییر و تحول‌ها را دیدم. در عالم ادبیات داستانی و ترجمه‌ها در این‌جا صورت گرفته بود. خیلی از مترجم‌ها به سراغ نویسندگان پیشرو کشورهای دیگر دنیا رفته بودند، و این بار فرانسه و رمان نو، به‌جز دو سه کتاب از مارگریت دوراس، خبری نبود. حال آنکه نویسندگان این جنبش به‌ویژه پس از فیلم‌هایی مثل سال گذشته در وین با و هیروشیما عشق من در ایران شهرت به‌سزایی داشتند، ولی کسی به سراغ ترجمه‌ی آثارشان نرفته بود، و اگر دوراس را مستثنی کنیم، از مترجم‌هایی مثل رب‌گریه، کلود سیمون، ناتالی ساروت که برجستگان این جنبش بودند کتابی ترجمه نشده بود، ولی بحث و حدیث‌شان بود، درباره‌شان صحبت می‌شد، اما دوستانی که به زبان‌های بیگانه آشنایی نداشتند، به‌ویژه دوستان جوان، به‌درستی نمی‌دانستند منظور از رمان نو چیست.

روزی که ترجمه‌ی پاک‌کن‌ها را که اولین و مهم‌ترین رمان در این سبک بود شروع کردم، در فکر این نبودم که به سراغ ترجمه‌ی کتاب دیگری از رب‌گری‌به بروم، ولی پس از پایان ترجمه‌ی آن، فهمیدم این زنجیر حلقه‌های دیگری هم دارد که به هم متصلند و خواندن یکی از آن‌ها برای درک همه‌ی هدف‌های این جنبش کافی نیست، بنابراین رفتم به سراغ فیلمنامه‌ی سال گذشته در مارین باد که بسیار مورد علاقه‌ام بود و ترجمه‌ی آن لذت سرشاری را که از دیدن فیلمش نصیبم شده بود تکمیل کرد. و برای این که به خیال خودم این حلقه را تا اندازه‌ای تکمیل کرده باشم، همان جدیدتری از رب‌گری‌به (جدیدتر نسبت به پاک‌کن‌ها و سال گذشته در مارین باد) یعنی جن را به دست گرفتم که درواقع مکمل دو کتاب قبلی بود.

پس از انتشار جن در برابر پیش‌دستان که آیا در نظر نداری کتاب دیگری از رب‌گری‌به ترجمه کنی قاطعانه جواب می‌دادم «نه!» چون واقعاً چنین قصدی نداشتم. البته استیال فراوان دوستان و علاقه‌مندان به ادبیات امروزی، به‌ویژه جوان‌ها، باعث خوبی برایم بود. نقد و بررسی‌هایی که در نشریه‌های گوناگون صورت گرفت، نشان داد که جای این کتاب‌ها در زبان ما واقعاً خالی بوده است. ما همان دوستان جوان و مشتاق دست‌بردار نبودند. کلید این معما را می‌خواستند، یعنی برای رمانی نور، من هم راستش را بگویم به علت کارهای دیگر من، در دست داشتم و نیز بی‌رودربایستی دشواری نفس‌گیر کتاب دهانه‌ای برای ترجمه‌ی آن نداشتم. ولی ته دلم می‌دانستم که کارم، یعنی ترجمه‌ی این کتاب از رب‌گری‌به، که بعداً ترجمه‌های دیگری از کتاب‌های او را به دنبال داشت، کامل نیست. البته بخش‌هایی کوتاه و بلند از این کتاب به‌طور پراکنده و به مناسبت‌های گوناگون ترجمه شده بود، اما عطش دوستان علاقه‌مند را فرو نمی‌نشاند و سیراب‌شان نمی‌کرد.

سرانجام پافشاری‌های دوستان جوان و تشویق‌های مدیریت محترم نشر با فکر باعث شد، به سراغ این کتاب بروم و دست‌وپنجه نرم کردن با آن را آغاز کنم.

خوانندگانی که با کتاب‌های رب‌گری‌یه و سایر نویسندگان جنبش رمان نو آشنایی دارند، می‌دانند که اگر مسائل مطرح شده در این کتاب‌ها مبهم و درک آن‌ها دشوار است، در عوض سبک نگارش و جمله‌بندی‌ها آسان است. ولی برای رمانی نو از این قاعده مستثنی است. رب‌گری‌یه رای اثبات نظریه‌های خود و دوستانش گاه چنان پیچیده حرف می‌زند که درک آن بسیار دشوار است، و گاه چنان واژه‌ها و اصطلاح‌های دور از ذهنی به کار می‌برد که حتی در فرهنگ لغت‌های معتبری مثل لاروس و روبیر هم پیدا نمی‌شود، اگر هم پیدا شود، در زبان ما معادلی ندارد، و مترجم به اچار باید با مدل‌ها یا تعبیرهایی برای آن‌ها درست کند، کاری که من هم کرده‌ام و در پشت اصل واژه را آورده‌ام.

و اما دو موضوع را از دوستان و خوانندگان گرامی انتظار دارم: اول این‌که اگر در بعضی موارد متن را به نام مطلب را به وضوح و روشنی بیاورم، به خاطر این است که اصل نوشته واقعاً مبهم و پیچیده است. و دوم این‌که دوستان صاحب‌نظر و آگاه لطف فرمایند و اگر نکاتی به نظرشان می‌رسد، راهنمایی‌ام کرده و مرا رهین حجت‌شان کنند. نمی‌دانم در کار ترجمه‌ی این کتاب تا چه حد موفق بوده‌ام، این را با نظرات خوانندگان نشان خواهد داد. و اما... دنباله‌ی این حدیث، یعنی ترجمه‌های دیگری از کارهای رب‌گری‌یه؟ نمی‌دانم. ولی می‌دانم که ترجمه‌هایی از سبک دوستان در دست هست که امیدوارم به زودی منتشر شود و به اشتیاق علاقه‌مندان پاسخ گوید. روزگار را چه دیده‌اید، شاید من هم تشویق شوم و...

پرویز شهدی

تیرماه ۸۶